



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

:: جزء دهم ::

جزء دهم قرآن کریم از آیه ۴۱ سوره انفال تا پایان و آیات اول تا ۹۲ سوره توبه؛ ۱۲۷ آیه نورانی را دربرگرفته است. معارف محوری در این جزء را می‌توان در بخش‌ها و موضوعات زیر بیان کرد:

معارف محوری سوره انفال: آیات ۴۱ تا ۷۵ (پایان سوره)

آیات باقیمانده سوره انفال که در این جزء قرار دارد دارای چند بخش است که در ادامه می‌آید:

حمایت خداوند از مؤمنان در جنگ بدر

در آیات ۴۲ تا ۴۴ خداوند به این نکته توجه می‌دهد که پیروزی مسلمانان در جنگ‌های نظامی تنها در گرو معادلات ظاهری نیست؛ بلکه خداوند متعال امدادهای غیبی فراوانی دارد که با آنها مؤمنین را در برابر کفار به پیروزی می‌رساند.

نمونه‌ای از کمک و پشتیبانی الهی

نمونه روشن از این امدادهای غیبی در جنگ بدر رخ داد که در آیه ۴۴ به آن اشاره شده است:

«وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَيُّنِ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّكُمُ فِي أَعْيُنِهِمْ»

و در آن هنگام [که در میدان نبرد] با هم رو به رو شدید؛ خداوند، آنها را در چشم شما کم نشان می‌داد و شما را نیز در چشم آنها کم می‌نمود تا خداوند، کاری را که می‌بایست انجام گیرد، صورت بخشد [شما نترسید و اقدام به جنگ کنید، آنها هم وحشت نکنند و حاضر به جنگ شوند و سرانجام شکست بخورند!]

با اینکه طبق تفاسیر، جمعیت مسلمانان کم (در حدود سیصد نفر) بود و جمعیت کفار و مشرکین قریب به هزار نفر بود؛ ولی خداوند کاری کرد که مسلمانان کفار را کم ببینند و با قدرت و توان با آنان

بجنگند در مقابل خداوند مسلمانان را نیز در نظر کفار کم جلوه داد. دلیل این کار خارق العاده را می توان در این یافت که اگر مسلمانان را در نظر کفار زیاد نشان می داد، کفار می ترسیدند و فرار می کردند؛ ولی اراده خداوند بر این تعلق گرفته بود که کفار وارد میدان جنگ شوند و شکست بخورند تا غنائم زیادی به دست مسلمانان بیفتد. بنابراین باید دانست که در جنگ بین سپاه اسلام و کفر تنها قواعد عادی و ظاهری جنگ ها حاکم نیست و خداوند رزمندگان اسلام را با امدادهای غیبی یاری و پشتیبانی می کند.

تفاوت مؤمنان با کفار در جنگ. خدامحوری مؤمنان و اطاعت از پیامبر و خودمحوری کفار و اطاعت از شیطان: آیات ۴۵ تا ۵۴

در آیات ۴۵ تا ۵۴ به موضوعاتی مانند تفاوت مؤمنان با کفار در جنگ می پردازد که یکی از این تفاوت ها خدامحور بودن مؤمنان و اطاعت ایشان در جنگ از رسول خدا ﷺ و خودمحور بودن کفار و اطاعت آنها از شیطان است.

در آیات ۴۵ تا ۴۷، شش دستور مهم جهادی نیز بیان شده که خداوند رعایت آن را در جنگ های اسلامی بر مسلمانان واجب کرده است:

ثبات قدم، بسیار خدا را ذکر کردن، خدا و رسول را اطاعت نمودن، نزاع نکردن، با غرور و شادمانی و خودنمایی به سوی جنگ نرفتن و از راه خدا جلوگیری نکردن؛ شش دستوری هستند که در این آیات آمده است.

بدترین موجودات یهودیانی هستند که پیمان شکنی می کنند.

قرآن کریم در آیات ۵۵ تا ۶۳، بدترین جنبندگان الهی را، یهودیانی معرفی می کند که بارها با پیامبر ﷺ پیمان بستند و آن را شکستند و به عهد و پیمان خویش پایبند نبودند. خداوند نه تنها آنها را از دایره انسان ها بیرون می داند؛ بلکه از حیوانات نیز پست تر دانسته به همین دلیل آنها را بدترین جنبندگان معرفی می کند.

امروز نیز در جهان شاهد آن هستیم که یهودیان صهیونیست، پیمان شکن ترین قوم بر روی زمین هستند و به هیچ عهد و پیمانی پایبند نیستند. آنها بارها قوانین و عهدنامه های سازمان ملل را که ساخته خود آنهاست نقض کرده و به حقوق مسلمانان و اقوام و ادیان دیگر تجاوز می کنند.

مهم ترین وظیفه در برابر کفار تقویت بنیه دفاعی است: آیه ۶۰

خداوند متعال در آیه ۶۰ پیام مهمی را درباره این قوم و دیگر دشمنان اسلام که قصد تهاجم به کیان

اسلامی را دارند به مسلمانان گوشزد می‌کند:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»
 هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان)، آماده سازید! و [همچنین]
 اسب‌های ورزیده [برای میدان نبرد]، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را
 بترسانید و بنیه دفاعی خود را تقویت بخشید.

قدرت نظامی مؤمنین

در آیات ۶۴ تا ۶۶ درباره قدرت نظامی سپاه اسلام و نیز مقاومت در برابر دشمن به پیامبر ﷺ و مؤمنین دستوراتی می‌دهد.

هر مؤمن ده برابر کافر

یکی از آن دستورات، ایستادگی هر مؤمن در برابر ده کافر است که بعد تخفیف داده شد و این تعداد به ایستادگی یک مؤمن در برابر دو کافر تغییر پیدا کرد:

«فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۱

اگر از شما صد نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر هزار نفر [صابر] باشند، به فرمان خدا بر دو هزار نفر چیره می‌شوند و خدا با صابران است.

احکامی درباره اسیران

در بخش پایانی این سوره یعنی آیات ۶۷ تا ۷۱، مسائلی درباره اسیران مطرح شده است:

«مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُكُونَ لَهُ أَمْرٌ حَتَّىٰ يُثَخَّنَ فِي الْأَرْضِ»^۲

هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی [از دشمن] بگیرد تا کاملاً بر آنها پیروز گردد [و جای پای خود را در زمین محکم کند].

در جنگ بدر مسلمانان پس از آنکه پیروز شدند تعدادی هم اسیر از کفار گرفتند که در صورت پرداخت مبلغ آزادی، می‌توانستند آزاد شوند.

ابی‌العاص داماد پیامبر ﷺ نیز در میان اسیران بود. دختر رسول خدا ﷺ؛ یعنی زینب همسر ابوالعاص گردن بندی که حضرت خدیجه رضی الله عنها در عروسی اش به او داده بود به عنوان فداء (هزینه آزادی) خدمت پیامبر ﷺ فرستاد. هنگامی که چشم آن حضرت به گردن بنده افتاد خدیجه رضی الله عنها

۱. الأنفال: ۶۶.

۲. الأنفال: ۶۷.

آن زن مجاهد و فداکار که تمامی ثروت و دارایی اش را در راه اسلام هزینه کرد و با فقر و گرسنگی و با لباس فقرا در شعب ابی طالب از دنیا رفت در نظرش مجسم شد.

حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خدا خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا را رحمت کند؛ این گردن بندی است که جهیزیه دخترم زینب قرار داد. برای همین طبق برخی روایات به احترام خدیجه از پذیرفتن گردن بند خودداری کرد و برای رعایت حقوق مسلمانان موافقت آنها را در این کار جلب نمود. سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ابو العاص را آزاد کرد به شرط آنکه دخترش زینب را که قبل از اسلام به همسری ابو العاص در آورده بود به مدینه نزد حضرت بفرستد. او نیز این شرط را پذیرفت و بعد هم به آن وفا کرد.^۱

جایگاه ویژه حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا

در فضیلت و مقام بلند اُمّ المؤمنین حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا همین بس که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمود:

«يَا خَدِيجَةُ هَذَا جِبْرَائِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْسَلَهُ إِلَيْكَ بِالسَّلَامِ»^۲

ای خدیجه! این جبرئیل است که به من خبر می دهد خداوند عزوجل او را فقط برای رساندن سلامش به تو فرستاده است.

وظایف مؤمنان در برابر یکدیگر به ویژه مهاجران

در آیات ۷۲ تا ۷۵ به بخشی دیگر از وظایف مؤمنین ولی این بار نسبت به یکدیگر می پردازد و به آنها توصیه می کند که به یکدیگر توجه داشته باشند و نسبت به مشکلات یکدیگر بی تفاوت نباشند.^۳

معارف محوری سوره توبه: آیات ۱ تا ۹۲

سوره توبه را می توان سیاسی ترین سوره قرآن کریم نام گذاشت. این سوره دارای سه محور کلی است که دو محور نخست آن در جزء دهم آمده است:

۱. وظایف حکومت اسلامی در برابر کفار.

۲. وظایف حکومت اسلامی در برابر منافقین.

۳. وظایف و رابطه حکومت اسلامی با مؤمنین.

وظایف حکومت اسلامی در برابر کفار و مشرکین

آیات اول تا ۲۸، به محور نخست اختصاص دارد.

۱. برگرفته از تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۴۸-۲۴۹.

۲. شرح الأخبار، ج ۳، ص ۲۱.

۳. الأنفال: ۷۴.

احمدبن حنبل از ائمه اهل سنت درباره شأن نزول این آیات، در مسند خود می نویسد:
پیامبر گرامی ﷺ شخصی (از قرائن و روایات فراوانی به دست می آید که آن شخص ابوبکر است) را مأمور کرد که سوره توبه را در روزی که حجاج در مکه جمع هستند برای کفار و مشرکین قرائت کند و اعلام کند که مسلمین از کفار بیزارند. وقتی او حرکت کرد و رفت پیامبر ﷺ امیرالمؤمنین را به دنبال او فرستاد و فرمود: جبرئیل بر من نازل شده و گفته است که:

«لَا يَذْهَبُ بِهَا إِلَّا رَجُلٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ»^۲

این پیام را جز کسی که از من است و من از او هستم کسی نباید ابلاغ کند.

برای همین امیرالمؤمنین را، سوره توبه را از او گرفت و به کفار ابلاغ کرد.

اعلام برائت از مشرکین در اجتماع حجاج

اعلام بیزاری و کناره گرفتن از مشرکان بخش مهم این اعلامیه است که در سوره آمده است و توسط امیرمؤمنان در مکه قرائت شد:

«وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ»^۳

و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به [عموم] مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان) که خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند.

فرصت دادن به مشرکان برای تحقیق درباره دین

در آیه ۶، اعلام می شود که این فاصله گرفتن نسبت به کسانی است که بر شرک پافشاری کرده و تمایلی به شناخت و قبول اسلام ندارند؛ اما کسانی که در پی شناخت اسلام اند اجازه دارند در محضر رسول خدا ﷺ و شاگردان او حاضر شده سخن اسلام را بشنوند و با آن آشنا شوند:

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»

و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست؛ پناهش بده تا سخن خدا را بشنود. آنگاه او را به جایگاه امنش برسان! این برای آن است که آنها گروهی هستند که [حقایق را]

۱. به احتمال فراوان چون این داستان دلیل دیگری برای برتری امیرالمؤمنین علی است، ابن حنبل از بردن نام ابوبکر خودداری می کند.

۲. مسند أحمد، ج ۱، ص ۳۳۱؛ ولی در کتاب هایی مانند السنن الكبرى نسائی، ج ۵، ص ۱۱۳؛ خصائص امیرالمؤمنین، ص ۶۲ و بسیاری دیگر از کتب اهل سنت نام ابوبکر برده شده است.

۳. التوبة: ۳.

نمی‌دانند [باشد که در پناه تو و شنیدن سخن حق مسلمان شوند].

خداحوری در دوستی‌ها و دشمنی‌ها (تولی و تبزی)

در آیه ۲۳ و ۲۴ قرآن کریم دربارهٔ تولی و تبزی سخن به میان آورده است که نشان می‌دهد اساس و محور در دوستی‌ها و دشمنی‌ها باید خدا باشد. در این آیات می‌فرماید: مؤمنین باید با کسانی دوست باشند که آنها دوستان خدایند و نباید با کسانی که دشمن خدایند دست دوستی دهند؛ هرچند که از خویشان و بستگان‌شان باشند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى
الْإِيمَانِ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر گاه پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها را دوستان و سرپرستان خود قرار ندهید.

البته احترام به پدر در دین اسلام واجب است؛ هرچند او کافر باشد؛ ولی اگر کافر است نباید او را ولی خود قرار داد و در اموری که با دین در تعارض است از او پیروی کرد.
در ادامه می‌فرماید:

«قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا
وَتِجَارَةٌ تَحْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ
جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»

بگو: اگر پدران تان و فرزندان تان و برادران تان و همسران تان و خویشان تان و اموالی که فراهم آورده‌اید و تجارتی که از بی‌رونقی و کساد می‌ترسید و خانه‌هایی که به آنها دل خوش کرده‌اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را صادر کند و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.

در روایتی از نوف یکالی آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود:

«يَا نَوْفُ مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَسَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ»^۱

ای نوف! کسی که ما را دوست بدارد روز قیامت با ما است و اگر مردی سنگی را دوست بدارد خداوند او را با آن سنگ محشور فرماید.

وظایف حکومت اسلامی در برابر اهل کتاب

در آیات ۲۹ تا ۳۷ برخی وظایف حکومت اسلامی در برابر اهل کتاب را برمی‌شمرد:

۱. اُمالی صدوق، ص ۲۱۰؛ اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۱۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۸۳.

دستور جنگ با آنها مگر اینکه تابع حکومت اسلامی و قوانین آن شوند

در آیه ۲۹ دستور برخورد با اهل کتاب را بیان کرده است مگر کسانی که تحت قیمومیت و سرپرستی حکومت اسلامی قرار دارند.

دین اسلام بر همه ادیان جیره خواهد شد

در آیه ۳۳، اشاره‌ای به ظهور حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف شده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

هدف از آمدن پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله غلبه بر همه ادیان است و تمامی آیین‌ها و ادیان روزی در مقابل اسلام تسلیم خواهند شد.

در روایتی از امام موسی بن جعفر عجل الله تعالی فرجه الشريف در مورد زمان تحقق این آیه شریفه آمده است:

«يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ»^۱

آن را در زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف بر همه دین‌ها غلبه می‌دهد.

وظایف حکومت اسلامی در برابر منافقان

در آیات ۳۸ تا ۱۱۰ سوره توبه موضوع سخن وظایف حکومت اسلامی در برابر منافقان است که این بخش با بیان ویژگی‌های رفتاری آنها آغاز شده است.

ویژگی‌های رفتاری منافقان

طفره از جنگ

یکی از ویژگی‌های منافقین این است که از حضور در میدان‌های جنگ طفره می‌روند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ»^۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می‌کنید [و سستی به خرج می‌دهید]؟

خشنودی از خسارت دیدن مؤمنان

ویژگی دوم آنها خشنودی از خسارت دیدن مؤمنان است که در آیات ۵۰ تا ۵۲ بیان شده است.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۲؛ نهج الإیمان، ص ۵۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۳۶.

۲. التوبة: ۳۸.

بی توجہی به نماز و ریا در انفاق

از دیگر ویژگی‌های اهل نفاق این است که نسبت به نماز بی توجہ و سهل انگارند و هنگام انفاق کردن اهل ریا و تظاهر هستند:

«وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ»^۱

هیچ چیز مانع قبول انفاق‌های آنها نشد، جز اینکه آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند و نماز به جا نمی‌آورند جز با کسالت و انفاق نمی‌کنند مگر با کراهت.

اعتراض به پیامبر ﷺ در تقسیم صدقات

در آیه ۵۸، به یکی دیگر از حالات منافقان اشاره شده و آن اینکه آنها هرگز راضی به حق خود نیستند و مدام انتظار دارند از اموال یا منافع عمومی هر چه بیشتر بهره ببرند؛ خواه مستحق باشند؛ خواه نباشند. در قاموس آنها عادل کسی است که چه بیشتر به آنها مال و امتیاز بدهد و ظالم کسی است که حق دیگران را از آنان باز دارد!

برای همین روحیه است که نسبت به تقسیم عادلانه پیامبر ﷺ نیز اعتراض می‌کنند:

«وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَشْخَطُونَ»

برخی از آنان نسبت به [تقسیم] صدقات بر تو خرده می‌گیرند، پس اگر از صدقات به آنان داده شود خشنود می‌شوند و اگر داده نشود، ناگاه خشمگین می‌شوند.

توهین به پیامبر ﷺ

در آیه ۶۱، ویژگی دیگری از منافقان است که پیامبر ﷺ را با گفته‌های خود آزار می‌دادند و می‌گفتند: او انسان خوش باور، و دهن بینی است:

«وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ»

و از منافقان کسانی هستند که همواره پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: شخص زودباور و نسبت به سخن این و آن سراپاگوش است.

دعوت دیگران به منکرو باز داشتن از معروف

ویژگی بعدی منافقین که در آیه ۶۷ به آن اشاره شده این است که نه تنها امر به معروف و نهی از

منکر نمی‌کنند؛ بلکه دیگران را به کارهای زشت و ناروا دعوت می‌کنند:

«الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ»

مردان منافق و زنان منافق، همه از یک گروه‌اند آنها امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند.

در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

«كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شُبَّانُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ قِيلَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ وَ شَرُّ مِنْ ذَلِكَ وَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ وَ شَرُّ مِنْ ذَلِكَ وَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا»^۱

چه حالی خواهید داشت آن گاه که زنان شما فاسد و جوان‌های تان تبه‌کار شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟ پرسیدند: ای پیامبر خدا ﷺ آیا چنین می‌شود؟ فرمود: آری، بدتر از این نیز خواهد شد. چه حالی خواهید داشت آن گاه که امر به منکر و نهی از معروف کنید؟ پرسیدند: ای پیامبر خدا ﷺ آیا چنین می‌شود؟ فرمود: آری، بدتر از این هم خواهد شد. چه حالی خواهید داشت آن گاه که معروف را منکر و منکر را معروف ببینید؟

تحقیر مؤمنانی که با خلوص نیت صدقه می‌دهند

ویژگی دیگر اهل نفاق، تحقیر و مسخره کردن مؤمنینی است که با خلوص نیت صدقه می‌دهند. شخصی که برخی تفاسیر نام او را «عقبه بن زید حارثی» دانسته‌اند یک صاع (سه کیلو) خرما نزد پیامبر ﷺ آورد و عرض کرد: ای رسول خدا! من به اندازه دو صاع خرما، کسب کرده‌ام؛ یک صاع آن را برای زن و بچه‌ام گذاردم و یک صاع دیگر را می‌خواهم صدقه بدهم. پیامبر خدا ﷺ فرمود این مقدار را بگیرد و در میان بیت المال مسلمین قرار دهید. منافقینی که شاهد این صحنه بودند شروع به تمسخر کردند و با همان حال گفتند که خداوند از یک صاع خرما بی‌نیاز و مستغنی است.^۲

قرآن کریم در آیه ۷۹ می‌فرماید:

۱. تحف العقول، ص ۴۹؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۷۷؛ روضة الواعظین، ج ۳۶۵.

۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۸۴؛ جامع البیان، ج ۱۰، ص ۲۴۷ (با اندکی تفاوت).

«الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

آنهایی که از مؤمنان اطاعت‌کار، در صدقاتشان عیب‌جویی می‌کنند و کسانی را که [برای انفاق در راه خدا] جز به مقدار [ناچیز] توانایی خود دسترسی ندارند، مسخره می‌نمایند، خدا آنها را مسخره می‌کند [و کیفر استهزاکنندگان را به آنها می‌دهد] و برای آنها عذاب دردناکی است.

ارزش افطار دادن به دیگران که خود نوعی از انفاق است

در ماه مبارک رمضان نیز افطاری و اطعام به دیگران هرچند کم، دارای ارزش و ثواب فراوانی است. در این باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ فَطَّرَ مِنْكُمْ صَائِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِنَقٌ نَسَمَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ فَقَبِلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَيْسَ كُنَّا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ فَقَالَ ص اتَّقُوا النَّازَ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ اتَّقُوا النَّازَ وَ لَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ»^۱

ای مردم! هر کدام از شما که در این ماه، یک روزه‌دار را افطار دهد نزد خدا ثوابی برابر با آزاد کردن یک بنده را دارد و گناهان گذشته‌اش آمرزیده گردد. عرض شد: یا رسول الله! همه توان انجام افطاری دادن را ندارند. فرمود از خدا بپرهیزید [و به قدر توان خود افطاری دهید] گرچه با نصف خرمایی و یا جرعه‌ای باشد.

وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله در قبال منافقان

در آیه ۸۴، رسول خدا صلی الله علیه و آله را به برخوردی محکم‌تر از گذشته نسبت به منافقان فرمان داده و آن حضرت را از دعا و طلب بخشش برای منافقان برحذر می‌دارد:

«وَلَا تَصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَاتُوا وَ هُمْ فَاسِقُونَ»

و هرگز به جنازه هیچ کدام از آنان نماز نخوان و بر سر قبرش [برای دعا و طلب آمرزش] نایست؛ زیرا آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند و در حالی که فاسق بودند، از دنیا رفتند.

۱. فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۷۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۱۴.